باسمه تعالی

نکاتی کاربردی در مطالعه متون حوزوی

يَا قَوْمِِ اتَّبِعُونِ أهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ غافر/38

* آیا می دانید چرا طلاّب مستعد قبل از مباحثه نیازی به مطالعه در خود احساس نمی کنند؟! و آیا می دانید که این رویّه به مرور زمان انسان را دچار فرسودگی علمی می ‏کند؟!
* آیا می دانید چرا برخی از دوستان شما اصرار دارند بلافاصله بعد از اتمام کلاس مطالب همان روز را مباحثه کنند؟!
* آیا می دانید فهمیدن دقیق متن خود بهترین مشوّق برای ادامه درس است ؟!
* آیا می دانید 80 درصد طلاّب فهم دقیق و عمیقی نسبت به متن درسی خود ندارند ؟!
* آیا می دانید اگر با قواعد متن خوانی آشنا باشید نیاز چندانی به مراجعه به شروح نخواهید داشت؟!
* آیا می دانید اگر با قواعد متن خوانی آشنا باشید سؤالات درسی شما چند برابر خواهد شد؟!
* آیا می دانید اگر با قواعد متن خوانی آشنا باشید جزو مستشکلین کلاس خواهید بود؟!
* آیا می دانید اگر با قواعد متن خوانی آشنا باشید پس از اتمام کتاب تقریباً هیچ سؤال حل نشده‏ای نخواهید داشت؟!
* آیا می دانید اگر با قواعد متن خوانی آشنا باشید هر سال می‏توانید دروس سال قبل را با تسلّط کافی تدریس کنید؟!
* آیا می دانید اگر با قواعد متن خوانی آشنا باشید متون درسی را سطر به سطر به صورت عمیق فرا خواهید گرفت؟!
* آیا می دانید اگر با قواعد متن خوانی آشنا باشید دیگر از امتحانات شفاهی هراسی نخواهید داشت؟!
* آیا می دانید ....؟!
* آیا می دانید ....؟!
* آیا می دانید ....؟!

نوشتاری که پیش روی شماست حاصل تجربیات چندین سال درس و تدریس است که به عنوان ***«قواعد فهم متون حوزوی»*** به خدمت طلاّب گرانقدر ارائه می‏شود، باشد که مورد رضای حق تعالی قرار گیرد.

نظرات و پیشنهادات همة سروران گرامی را بر دیده نهاده و در تکمیل بحث از آنها استفاده خواهد شد. مطالب خود را می توانید با شماره تلفن ***5293-451-0912 به نام محسن زارع پور*** در میان بگذارید.

انجمن علمی- پژوهشی رشاد

سال 1389

1. **«نمودار کلّی کتاب»** را برای خودتان رسم کرده و در اتاق خود نصب کنید . با به ذهن سپردن این نمودار و مرور آن در اوقات غیر مفید، مثل داخل اتوبوس و ... در ظرف مدّت کوتاهی کلیّات یک کتاب علمی را مرور خواهید کرد!
2. **«نمودار هر بحث**» را برای خود رسم کنید .
3. در **مباحث علمی و استدلالی** مراحل ذیل را به دقّت پیگیری کنید:

الف) در هر بحث مدّعای مؤلّف را کشف کرده و به وضوح و دقّت آن را بنویسید.

ب) استدلال ارائه شده توسّط مؤلّف را در متن بیابید.

ت) مبادی تصوّریّه و تصدیقة استدلال را روشن کنید.

* **توضیح :** مبادی هر علم به دو دسته تقسیم می شوند : مبادی تصوّریّه و مبادی تصدیقیّه .

مبادی تصوّریّه در حقیقت تعریف موضوعات و محمولات مسائل هر علم است[[1]](#footnote-1) و به عبارت ساده‏تر، همان اصطلاحاتی است که در مسائل هر علم به کار رفته است و برای فهم مسائل آن علم، دانستن آنها ضروری است . مثلاً در مسألة «الفاعل مرفوع» تعریف اطراف این قضیّه، یعنی تعریف «فاعل» و «مرفوع»، مبادی تصوّریّه این مسأله هستند؛ زیرا تا تصوّر درستی از فاعل و مرفوع نداشته باشیم نمی‏توانیم صحّت یا سقم این قضیّه را تعیین کنیم. همچنین در مسأله اصولی «المشتقّ حقیقـة فی المتلبّس بالمبدأ بالفعل» تعریفِ تک تک کلمات موجود در این گزاره، یعنی تعریف «مشتق، حقیقت، متلبّس، مبدأ و بالفعل»، مبادی تصوّریّه این بحث اصولی هستند .

مبادی تصدیقیّه، مجموعه گزاره های اثبات شده یا مفروضی هستند که در حلّ مسائل هر علم از آنها استفاده می شود، و به عبارت دیگر مسائلی هستند که تصدیقِ قضایای هر علم متوقّف بر آنهاست. [[2]](#footnote-2)

مبادی تصدیقیّه اگر بدیهی باشند، مانند استحالة اجتماع نقیضین، «علوم متعارفه» نامیده می شوند . و اگر نظری باشند خود بر دو نوعند :

یا در علمی دیگر اثبات شده و یا در آینده اثبات خواهد شد که «اصول موضوعه» نامیده می شوند و یا بدون اثبات در اثبات قضایای یک علم به کار می روند که در این صورت «مصادرات» نامیده می شوند ؛ زیرا پر واضح است که اثبات یک ادّعا بر پایة ادّعایی دیگر صحیح نبوده و نوعی مصادره بر مطلوب محسوب می شود.[[3]](#footnote-3)

ث) مقدّمات استدلال مطرح شده را در قالب قیاس منطقی و به صورت صغری و کبری بنویسید.

ج) سعی کنید صغری و کبرای قیاس را اثبات کنید.

ح) قواعد انتاج قیاس را بر روی قیاس مزبور پیاده کنید.

د) رابطة بین دلیل و مدعی را بسنجید.

* **توضیح:** بین دلیل و مدعّی چند حالت متصوّر است:

1. **دلیل اعمّ از مدعی باشد**، مثل اینکه برای اثبات ذکاوت زید به طلبه بودن او استدلال کنیم؛ پرواضح است که این دلیل اعم از مدعی است زیرا علاوه بر اثبات کاوت زید ذکاوت سایر طلاّب را نیز اثبات می‏کند.
2. **دلیل اخص از مدعی باشد،** مثل اینکه برای اثبات ذکاوت همه طلاّب به به تُرک بودن آنها استدلال کنیم؛ پر واضح است که این دلیل اخص از مدعی است زیرا همه طلاّب ترک زبان نیستند لذا این دلیل همه مدّعی را اثبات نمی‏کند و برخی افراد بدون دلیل باقی می‏مانند.
3. **دلیل مساوی با مدّعی باشد،** یعنی دلیل به گونه‏ای باشد که تمام افراد مدّعی را بدون کم و زیاد اثبات کند.
4. **دلیل عین مدّعی باشد،** مثل اینکه برای اثبات ذکاوت زید به ذکاوت او استدلال کنیم. این قسم استدلال در اصطلاح **«مصادره بر مطلوب»** نامیده شده و از اقسام مغالطه محسوب می‏شود.
5. **دلیل بیگانه از مدّعی باشد**، مثل اینکه برای اثبات ذکاوت زید به فرو ریختن برج‏های دو قلو در آمریکا استدلال کنیم.

هـ) اگر در متن به استدلال اشکالی وارد شده است روشن کنید که اشکال به صغرای استدلال است و یا کبرای آن و به اصطلاح اشکال صغروی است یا کبروی .

1. در هر بحثی **مقام بحث** را به درستی تشخیص دهید که مؤلّف در مقام توضیح است و یا در مقام اشکال و یا در مقام تأیید و یا در مقام اظهار نظر و یا ... . و همة این حالات را در لابه‏لای کتاب خود یادداشت کنید.
2. هر وقت در سر کلاس درس حرفی برای گفتن داشتید قدری تأمّل کرده و **موضع خود** را مشخّص کنید که کدام حالت را دارید:

الف) سؤالی نسبت به مطالب مطرح شده دارید.

ب) به مطالب مطرح شده اشکال دارید.

ج) در صدد تأیید مطالب مطرح شده هستید.

د) حرفتان بی ارتباط با درس و فضای کلاس است!

1. هرجا و هر زمان با کلمه ای نامأنوس مواجه شدید یا نسبت به مطلبی **«ابهام»** داشتید حتماً از اساتید آن فنّ سؤال کرده و ابهام خود را برطرف کنید.
2. هیچگاه از اشکال کردن نهراسید، امّا این را بدانید که «**خدشه در مثال**» ضعیف ترین مُدلِ اشکال است که به «مناقشه در مثال» معروف است.
3. **«اعراب»** و **«ضبط»** کلمات نامأنوس را مشخص کرده و در متن یادداشت کنید.

* **توضیح:** **«اعراب»** مربوط است به حرکت آخرین حرف کلمه و **«ضبط»** مربوط است به حرکت سایر حروف کلمه؛ اعراب کلمات را از طریق نقش‏های نحوی باید تشخیص داد، امّا تعیین ضبطِ کلمات منوط است به مراجعه به کتب لغوی، لذا در مطالعه متون هرگاه به کلمه‏ای برخوردید که ضبط آن را نمی‏دانستید، حتماً به لغتنامه مراجعه کرده و در حاشیه کتاب خود ضبط دقیق آن کلمه را یادداشت کنید.

1. هرجا مطلبی به عنوان **مؤیّد** ذکر شد، در دو نکته تأمّل کنید:

الف) این مطلب چه ضعفی داشت که دلیل نشد و مؤیّد شد؟

ب) نحوة تأیید بر مدّعی چگونه است؟

1. هرگاه در مسأله‏ای **ادعای وجود قرینه** شد سه نکته ذیل را دنبال کنید:

الف) قرینه را پیدا کنید.

ب) نحوة قرینیّت قرینه را تحلیل کنید.

ج) قرینیّت قرینه را از دیدگاه خودتان بررسی کنید.

1. کلمة **«أیضاً»** را در متون و عبارات با دقّت معنی کرده و به صرف معنای **«همچنین»** اکتفا نکنید.
2. **«إلاّ»** گاهی ادات استثناست ولی گاهی کلمه‏ای است مرکب از **«إن»** و**«لا»** یا حرف نفی‏ای دیگر و به «إلاّ»ی ترکیبیّه معروف است. إلاّ ترکیبیّه را در متون یافته و به دقّت تفسیر کنید.
3. به **تشبیه های معکوس** دقّت داشته باشید .

* **توضیح:** تشبیه معکوس اختصاص به جملات منفی دارد که حکم در مشبّه به مخالف است با حکم در مشبّه، مثل اینکه بگوییم زید آدم خوبی نیست مثل بکر (که آدم خوبی است).

1. هرگاه در متن **مثالی** ذکر شد، مراحل ذیل را دنبال کنید:

الف) محلّ شاهد را در مثال بیابید و زیر آن خط بکشید.

ب) نحوة تطبیق قاعدة مطرح شده را بر محلّ شاهد بخواهید.

ج) ببینید به نظر خودتان قاعده بر شاهد مثال تطبیق می‏کند یا نه.

1. فرق **«مثال»** و **«نظیر»** آن است که مثال و مُمَثّل از جمیع جهات مثل همند ولی نظیر چنین نیست. مثلاً اگر برای بیان ویژگی‏های یک طلبة کوشا به یکی از طلاّب مثال بزنیم از باب مثال است، امّا اگر به یک کارگر کوشا مثال بزنیم از سنخ نظیر است. این تفاوت در اکثر کتب علمیِ دقیق، خصوصاً کتب قدیمی مراعات شده است، لذا وجود این تفاوت را در مثال و نظیرهای موجود در متون درسی خود احراز کنید .
2. در هر جای متن به یک **«تقسیم**» برخوردید نکات ذیل را روشن کنید:

الف) مقسم و ملاک تقسیم را مشخّص کنید.

ب) شرایطی که در منطق برای صحّت تقسیم ذکر شده است را در آن احراز کنید .

1. هر جا به کلمة **«بناءً»** برخوردید بدانید بحث مبنایی است و باید به سؤالات ذیل پاسخ دهید:

الف)در این مسأله چند مبنا وجود دارد؟

ب) مبنای مشهور در مسأله چیست؟

ج) مبنای مذکور در متن مبنای چه کسی است؟

1. در هرجای عبارت به کلمة **«بذلک یظهر»** یا **«بذلک یُعلم»** یا **«ظهر ممّا تقدّم»** برخوردید حتماً مشار إلیه ذلک و ما تقدّم را تعیین کنید .
2. در هرجا به عبارت **«تقدّم سابقاً»** یا **«کما تقدّم»** برخوردید صفحات سابق را جستجو کنید و ببینید مؤلّف سابقاً در چه بحثی این مطلب را گفته است .
3. در هر عبارت «**مرجع ضمایر و مشارٌ إلیه اسماء اشاره»** را با دقّت تعیین کرده و روی آنها بنویسید .

1. . بحوث‏في‏الأصول، ج 1، صفحه 17 . [↑](#footnote-ref-1)
2. . بحوث ‏في‏الأصول، ج 1، صفحه 17 . [↑](#footnote-ref-2)
3. . تحريرات‏في‏الأصول، ج 1، صفحه 51 . [↑](#footnote-ref-3)